

## جایگاه ساختار نحوی در پرداخت مضامین عرفانی در مثنوی (با تأکید بر نسخه مصور موزه هنر والترز در بالتیمور آمریکا)

### چکیده

هدف در این تحقیق، بررسی ساختارهای نحوی در سه دفتر اول مثنوی است که با روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای و روش توصیفی و تحلیلی به این نتایج دست یافته است: مولانا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران، نقش برجسته‌ای در امر جمله‌سازی و واژه‌سازی دارد. گاه با ترکیب واژه بسیط با یک پسوند و پیشوند، گاه با ترکیب آن با یک واژه دیگر، گاه با ساخت واژه به تبعیت از ساخت واژه در زبان عربی و گاه با باستان‌گرایی و هنجارگریزی هنر خود را به رخ می‌کشد. عمده ساختارهای نحوی شعر مثنوی مولانا در زمینه نوآوری در کاربرد واژگان و نبود باستان‌گرایی است که با تغییرات نحوی، سبک علمی، ادبی و خطابی که در بلاغت به کار می‌رود؛ هویدا می‌شود و همچنین علم معانی، بیان و بدیع نیز آشکار می‌کند. مولانا در اشعار خود از دستور و نحو به حوزه کارکردهای بلیغ و فصیح روی آورده است و حال، مقام مخاطب و موضوع سبب شده است که اقسام کلام از ظاهر دستوری خود عدول کند و به کارکرد بلاغت جمله و کلام بیفزاید. همچنین مضامین عرفانی در قالب نگاره‌ها در نسخه مصور مثنوی معنوی نمود بارزی دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی ساختارهای نحوی در سه دفتر اول مثنوی معنوی.
۲. بررسی مضامین عرفانی در نسخه مصور مثنوی معنوی در موزه هنر والترز.

### سؤالات پژوهش:

۱. ساختارهای نحوی در سه دفتر اول مثنوی معنوی چگونه است؟
۲. مضامین عرفانی در نسخه مصور مثنوی معنوی در موزه هنر والترز چگونه بازتاب یافته است؟

**کلیدواژه‌ها:** ساختار، نحو، بلاغت، مثنوی معنوی، سه دفتر اول.

## مقدمه

اهل فن در مسائل زبان‌شناسی و دستور زبان، بر این عقیده‌اند که از اهم مسائل مربوط به زبان، تقویت بنیهٔ زبان از طریق واژه است؛ چون گستردگی دامنهٔ واژگان یک زبان بر توان آن زبان می‌افزاید که مولانا سرآمد و متخصص این امر است. مولانا نقش برجسته‌ای در امر جمله‌سازی و واژه‌سازی دارد؛ گاه با ترکیب واژهٔ بسیط با یک پسوند و پیشوند، گاه با ترکیب آن با یک واژه دیگر، گاه با ساخت واژه به تبعیت از ساخت واژه در زبان عربی و گاه با باستان‌گرایی و هنجار‌گرایی، هنر خود را به رخ می‌کشد. شگردهای زبان شاعرانه، مجازهای بیان شاعرانه، کاربردهای خاص دستوری و نحوی، ترکیب‌های معنایی جدید، نوآوری واژگانی و اینکه در شعرهای مولانا، زبان و ساختار نحوی اهمیت زیادی دارد و هدف خلاقیت و آفرینش ادبیات کلامی است، مواردی هستند که اهمیت بحث را بیش از پیش مشخص می‌کنند. همچنین از آنجا که جذابیت آثار هنری ناشی از کیفیت ساختاری و لفظ آن‌ها است و این ساختار اثر است که می‌تواند با نوع کارکرد خود، چه زبانی، چه بیانی و زیباشناختی، در میان دیگر آثار ادبی به برجستگی رسیده و به‌عنوان یک اثر ادبی در جامعه مطرح شود. از آنجا که در مورد ساختار نحوی در مثنوی معنوی تحقیقات کمی صورت گرفته است لذا لازم و ضروری است که در این مورد تحقیقی، توسط محققان صورت گیرد. از این‌رو، موضوع تحقیق حاضر بررسی و تحلیل ساختاری نحوی سه دفتر اول مثنوی معنوی، مولانا است و از آنجا که تمام عناصر و عوامل زبانی که در ساختار ادبی و ایجاد نقش ادبی در شعر مولانا تأثیرگذار بوده مورد توجه قرار گرفته است.

باتوجه به استعلام گرفته شده از سایت‌های معتبر و جست‌وجوهای زیاد، به این نتیجه دست یافته‌ایم که در مورد این موضوع، قبلاً کسی تحقیقی به عمل نیاورده است. هرچند موارد مشابه‌ای در این مورد وجود دارد: مثل تحقیقات ذیل: فضیلت (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: «تأملی در سطح ادبی مثنوی معنوی»، به برخی از داستان‌های مثنوی اشاره کرده و سطح ادبی آن‌ها را بیان کرده است ولی در مورد ارائه مطالب و تطبیق آن، به‌صورت پراکنده و چارچوب متداولی را بیان نکرده است و با پراکندگی مطالب روبه‌رو است. ما در این تحقیق الگو و چارچوب متداول و بدون اضطراب ارائه می‌دهیم. جلیلی جشن‌آبادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی کارکرد بلاغی گزاره‌های انشایی در مثنوی مولوی»، برخی از گزاره‌های انشایی در مثنوی را ارائه کرده است. ولی در مورد تطبیق دستور زبان فارسی با اشعار خوب عمل نکرده است و به برخی نمونه‌های جزئی بسنده کرده است. ما در این تحقیق تمامی گزاره‌های انشایی را با اشعار مولانا تطبیق می‌دهیم.

در زمینهٔ تأثیر قرآن بر مثنوی تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است؛ از جمله کتاب در سایهٔ آفتاب اثر پورنامداریان و کتاب تأثیر قرآن بر محتوا و ساختار مثنوی معنوی نوشته سید اسحاق شجاعی. در این دو اثر اگرچه ساختار شکنی و جنبه‌های هنری قرآن و مثنوی بررسی شده است، از دید بلاغی و با تمرکز بر این موضوع نبوده است. به‌طور کلی، دربارهٔ بلاغت در مثنوی، تحقیقات اندکی انجام شده است و از این نظر باید گفت در پرتو معانی بلند این اثر، به جلوه‌های بلاغی آن کم‌تر توجه شده است.

از این‌رو در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشتهٔ تحریر درآمده است، تحقیق جامع و مفصلی در مورد بررسی و تحلیل ساختاری نحوی سه دفتر اول مثنوی انجام شده است.

## نتیجه‌گیری

در این تحقیق به این نتایج دسته یافته شده است: در هر متن شعری، می‌توان جذابیت هنری زیادی را مشاهده کرد ولی جذابیت هنری اشعار مثنوی معنوی ناشی از کیفیت ساختاری آن است و این ساختار مثنوی معنوی است که چه زبانی، چه بیانی و زیباشناختی در میان دیگر آثار ادبی به برجستگی رسیده و به‌عنوان یک اثر ادبی در جامعه مطرح شده است و بدون ساختار نحوی که مثنوی دارد، هیچ‌گونه جذابیت هنری در آن مشاهده نمی‌شود. ساختارهای نحوی که تأثیرگذار زیادی بر اشعار مثنوی مولانا دارد را می‌توان در جملات خبری و انشایی و اغراض آن‌ها دانست. مولانا در مثنوی از اقسام کلام در معنایی حقیقی خود بهره برده است در معناهای دیگر (اغراض ثانویه) نیز زیاد بهره برده است. مثلاً مولانا غالباً خبر را با انگیزه‌های هنری ابراز کرده است و هدف اصلی آن اطلاع‌رسانی نبوده است بلکه ایراد سخن فصیح با معانی ثانویه و بنا به مقتضای حال مخاطب بوده است. مولانا اغراض ثانوی جملات خبری را به موارد خاصی محصور نکرده است و با توجه به ذوق و سعی خودش، آن‌ها را متبلور کرده است. البته مولانا در بیان خبر، به اقتضای حال مخاطب نیز توجه داشته است و مثل پزشک که وضعیت و حال بیمار را مشخص می‌کند. مولانا از وجه‌های غیرخبری یعنی جملات انشایی مثل پرسشی، نهی و امری نه‌تنها در معنای واقعی بهره برده است بلکه اغراض و معنای مجازی دیگر نیز به کار برده است و همین موارد سبب شده است که اشعارش از بلاغت متبلور شود. مثلاً مولانا برای بیان امیال و آرزوهای خود از و همچنین بیان تردید و نگرانی، از قالب سؤالی استفاده کرده است یا مولانا با جملات پرسشی، داستان‌های خشکی و بی‌روح را از بی‌روحو درآورده است. یا همچنین برای بیان ارشاد، هشدار، تشویق و توبیخ و ملامت، برای تأثیرگذاری بهتر روی مخاطب از قالب امر بهره برده است. در مثنوی معنوی ثانویه چون اظهار حسرت و اندوه، اظهار عجز و ناتوانی، اظهار نفی و نهی، اظهار تحقیر و گمراهی، ارشاد، دعوت به شادی و ... در قالب امر، سؤال، نهی، تمنی و.. به وفور یافت می‌شود. که مولانا به‌وسیله همین اغراض ثانویه توانسته بر معنا و بلاغت مثنوی بیفزاید و آن‌را به گرانگ‌ترین اثر جهان کند.

## منابع و مأخذ:

- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم. (۱۴۱۴). لسان‌العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، بیروت.
- تقوی، نصرالله. (۱۳۷۱). هنجار گفتار. تهران: نو.
- تفتازانی، مسعود. (بی‌تا). مختار المعانی فی تلخیص المفتاح، قم: مصطفوی.
- ..... (بی‌تا). شرح المختصر، به کوشش عبدالمتعال صعیدی، قم: کتابفروشی کتبی نجفی.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲). مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآن. سوریه: دارالعلم.
- زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۴۰). معالم‌البلاغه. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- جارم، علی. (۱۳۸۷). البلاغة الواضحة، البیان و المعانی و البديع للمدارس الثانویة، چاپ ۴، تهران: موسسه الصادق (ع).

جلیلی جشن‌آبادی، صغری. (۱۳۹۶). «بررسی کارکرد بلاغی گزاره‌های انشایی، بیرجند». همایش ملی پژوهش‌های زبان.

خزانه‌دارلو و قاسمی، محمد علی و علیرضا. (۱۳۹۵). «گزاره‌های انشایی در نفثه‌المصدر»، فنون ادبی، ش ۳، صص ۱۰۳-۱۱۸.

خطیب قزوینی، محمد. (۱۴۰۵). الايضاح فی علوم البلاغۀ، به کوشش محمد عبدالمنعم خفاجی، بیروت.

دقیق‌العاملی، معین. (۱۴۳۲). دروس فی البلاغۀ، قم: مرکز المصطفی‌العالی.

سعدی ابو جیب. (۱۴۰۸). القاموس الفقہی لغۀ و اصطلاحا، دمشق: دارالفکر.

شمسیا، سیروس. (۱۳۸۶). معانی. ج ۲، تهران، میترا.

..... (۱۳۷۶). معانی و بیان. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فردوس.

صفی‌پوری، عبدالکریم. (بی‌تا). منتهی‌الارب. تهران: سنایی.

عبدالرحمان، محمود. (بی‌تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة، بی‌جا: بی‌نا.

عسکری، حسن. (بی‌تا). الصناعتین، کتابة و الشعر، ۱ جلد، مکتبۃ العصریة - بیروت - لبنان.

فراهیدی، خلیل. (۱۴۱۰). کتاب‌العین، ۸ جلد، قم: نشر هجرت.

فیومی، احمد. (بی‌تا). المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر للرافعی، در یک جلد، منشورات دارالرضی، قم.

قاسم، محمد احمد. (بی‌تا). علوم‌البلاغۀ، البدیع و البیان و المعانی. ۱ جلد، طرابلس - لیبی: مؤسسۃ‌الحدیثۃ‌للکتاب.

قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب‌الإسلامیة.

قلی‌پور گیلانی، مسلم. (۱۳۸۹). تلخیص‌جواهرالبلاغۀ، قم: انتشارات قدس.

مراغی، احمد مصطفی. (بی‌تا). علوم‌البلاغۀ، البیان و المعانی و البدیع، ۱ جلد، چاپ ۴، بیروت: دارالکتب‌العلمیة.

مطلوب، احمد. (بی‌تا). معجم‌المصطلحات‌البلاغیة و تطورها، ۱ جلد، مکتبۃ‌لبنان‌ناشرون: بیروت - لبنان.

..... (بی‌تا). أسالیب‌بلاغیة‌الفصاحة‌البلاغۀ‌المعانی، ۱ جلد، کویت: وكالة‌المطبوعات.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۳). مثنوی معنوی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات تهران.

نشاط، محمود. (۱۳۴۲). زیب‌سخن‌یا‌علم‌بدیع‌پارسی، تهران: علمی.

هاشمی، احمد. (۱۳۸۱). جواهرالبلاغۀ، ۱ جلد، چاپ ۴، قم: مرکز مدیریت حوزه‌علمیة قم.

..... (۱۹۶۰). جواهرالبلاغۀ. مصر: مکتبۃ‌التجاریة‌الکبری.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). یادداشت‌های علامه جلال‌الدین همایی درباره معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.

..... (۱۳۷۰). معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.

..... (۱۳۶۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.